

مجموعه میراث جهانی پاسارگاد، مجموعه‌ای از آثار باستانی بر جای مانده از دوران هخامنشی است که در ۷۰ کیلومتری شمال مرودشت در منطقه پاسارگاد استان فارس واقع شده است.

این مجموعه دربرگیرنده ابنیه‌ای چون کلخ دروازه، پل، کلخ بارعام، کلخ اختصاصی، دو کوشک، آبناهای باغ شاهی، آرامگاه کبوجیه، استحکامات دفاعی تل تخت، کاروانسرای مظفری، آرامگاه کوروش بزرگ، محوطه مقدس و سنگه بلاغی است.

این مجموعه، پنجمین مجموعه ثبت شده در فهرست آثار میراث جهانی در ایران است که طی جلسه یونسکو که در تیرماه سال ۱۳۸۳ در چین برگزار شد به علت دارا بودن شاخص‌های فراوان با صد در صد آراء در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید. هر اثر که در فهرست جهانی یونسکو جای می‌گیرد طبق کنوانسیون میراث طبیعی و تاریخی باید از سوی کشور نگهدارنده اثر مورد توجه ویژه قرار گیرد و انجام هرگونه اقدامی در به خطر افتادن آن ممنوع است.

سرزمین پارس زادگاه هخامنشیان بوده است. خاندان پارس، که به رهبری کوروش دوم (که از ۵۲۹ تا ۵۵۹ پیش از میلاد سلطنت نمود) در سال ۵۵۰ پیش از میلاد، بر مادی‌ها پیروز شدند. بر پایه سنت، کوروش دوم این منطقه را به پادشاهی انتخاب کرد، زیرا در نزدیکی منطقه‌ای بود که برایش توپادشاه مادی پیروز شد. این اولین پیروزی‌های دیگری چون غلبه بر لیدی، بابل نو، و مصر را به دنبال داشت. امپراتوری هخامنشی بعداً توسط پسر او کبوجیه (۵۲۲ تا ۵۲۹ پیش از میلاد) و داریوش اول (۴۸۶ تا ۵۲۱ پیش از میلاد) تحکیم و گسترش یافت. از کوروش در انجیل به عنوان آزادی‌دهنده بابل و کسی که یهودان را از تبعید بازگردانده یاد شده است.

در ۷ کیلومتری جنوب پاسارگاد، داریوش بزرگ پایتخت نادرین خود شهر پارسه (شاعری یونانی این شهر را پرس پلیس نام نهاد) را بنیان نهاد. تا هنگامی که اسکندر از مقدونیه در سال ۳۳۰ پیش از میلاد امپراتوری هخامنشی را تسخیر کرد، پاسارگاد یک مرکز مهم سلسله امی باقی ماند. به گفته نویسندگان باستانی، مانند هرودوت و آریان (گزنفون)، اسکندر آرامگاه کوروش را محترم شمرده و آن را بازسازی نمود.

در دوره های بعدی، از تل تخت هم چنان به عنوان یک ذبیره برداری می شد، حال آن که کاخ ها متروک شده و از مصالح آن دوباره استفاده شد. از سده هفتم به بعد، آرامگاه کوروش به نام آرامگاه مادر سلیمان خوانده می شد، و به یک مکان زیارتی تبدیل شد. در سده دهم یک مسجد کوچک در گرد آن ساخته شد، که تا سده چهاردهم از آن استفاده می شد. این محوطه توسط مسافرن طمی سده ها بازدید شده، که باعث از دست رفتن تدریجی اجزا گوناگون آن گشته است.

طبق نوشته های هرودوت، هخامنشیان از طایفه پاسارگادیان بوده اند که در پارس اقامت داشته اند و سر سلسله آنها هخامنش بوده است. نامدارترین رئیس اتحادیه قبائل پارس در نیمه قرن ۷ پ م پیش از میلاد است که تا سال ۶۰۰ پ م ریاست قبائل پارس را در دست داشت. او پیش از پور کوروش پور کمبوجیه پور پیش پور هخامنش بود، که همه شان رؤسای قبائل پارس بودند. اگر برای هر کدام از اینها حدود ۴۰ سال در نظر بگیریم، میتوان گفت که در زمانی که پارسها در منطقه پارسوای مذکور در سند آشوری (یعنی سال ۸۳۴ پ م) اقامت داشته اند، ریاستشان در دست هخامنش بوده است.

هخامنشیان نام دودمانی پادشاهی در ایران پیش از اسلام است. پادشاهان این دودمان از پارسیان بودند و تبار خود را به «هخامنش» می‌رسانند که سرکرده طایفه پاسارگاد از طایفه های پارسیان بوده است. هخامنشیان نخست پادشاهان بومی پارس و سپس آشنان بودند ولی با شکستی که کوروش بزرگ بر ایشتویکیو و اسپین پادشاه ماد وارد ساخت و سپس فتح لیدی و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از ایزرو کوروش بزرگ را بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی می‌دانند.

به قدرت رسیدن پارسی ها و سلسله هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد) یکی از وقایع مهم تاریخ قدیم است. اینان دولتی تأسیس کردند که دنیای قدیم را به استثنای دو سوم یونان تحت تسلط خود آوردند. شاهنشاهی هخامنشی را نخستین امپراتوری تاریخ جهان می‌دانند. مهم ترین سنگ نوشته هخامنشی از نظر تاریخی و نیز بلندترین آنها، سنگ نوشته بیستون بر دیواره کوه بیستون است. سنگ نوشته بیستون بسیاری از رویدادها و کارهای داریوش اول را در نخستین سال های حکمرانی اش که مشکل ترین سال ها حکومت وی نیز بود، به طور دقیق روایت می‌کند. این سنگ نوشته عناصر تاریخی کافی برای بازسازی تاریخ هخامنشیان را داراست و همچنین در سایت مذکور درباره شخصیت کوروش هخامنشی آمده است که: همه نشانه ها بیانگر آنست که هدف کوروش از جنگ و کشورگشایی ایجاد یک جامعه جهانی مبتنی بر امنیت و آرامش و دور از جنگ و ویرانگری بوده است. کوروش در لشکرکشیها و پیروزیهایش با ملل مغلوب در نهایت بزرگواری رفتار کرد و عناصر حکومتی پیشین را مورد بخشایش قرار داده در مقامهایشان ابقا کرده مطیع و متفاد خویش ساخت. کوروش بزرگ با ایمان استواری که به اهورامزدا داشت جهانگشایی را به هدف برقرار کردن آشتی و امنیت و عدالت و از میان بردن ستم و ناراستی انجام میداد و در قوت حاش به حدی نسبت به اقوام مغلوب بزرگمنشی و مهربانانه و عطف نشان داده بود که داستان را نقش به همه جا رسیده بود.

شایان ذکر است که پاسارگاد نام یک آثار باستانی مشهور در منطقه بوده که مورد علاقه و توجه جهانیان بویژه علاقه مندان به میراث ملی می باشد، بر این بنا استانداری و وزارت کشور بعد از تصمیم به ایجاد شهرستان در آن منطقه و برای بر حث نمودن و زنده نگه داشتن نام و یاد پاسارگاد در سطح ایران و جهان ترجیح داد نام پاسارگاد را بر شهرستان جدید التاسیس قرار دهد. از طرف دیگر بنیان احداث مجموعه پاسارگاد، دولت هخامنشی بوده است که مسئولین محترم وزارت کشور و استانداری با تأسیس بخش هخامنش در بر حث تر نمودن آثار کوروش هخامنشی تلاش مضاعفی از خود نشان داده است چرا که فرزندان هخامنش پس از کسب قدرت و تشکیل دولت مستقل نام دولت را به احترام رئیس قبائل پارس به نام هخامنش نامگذاری کرده اند و این امر نشان دهنده احترام و جایگاه بلند هخامنش در بین قبائل پارس بوده است که مسئولین محترم وزارت کشور و استانداری فارس با نکته سنجی و ظرافت تمام این مسئله را مورد توجه قرار داده اند.

شهر باستانی پاسارگاد نخستین پایتخت شاهنشاهی هخامنشی در قلب استان فارس، در دشت رودخانه پلوار قرار دارد. نام شهر «اردوگاه پارس» دلالت از موقعیت مکانی شهر دارد. شهر توسط کوروش بزرگ (کوروش دوم) در سده هشتم قبل از میلاد ساخته شد. محوطه اصلی (۱۶۰ هکتار، حدوداً ۷/۲ × ۸/۸ کیلومتر) توسط یک منطقه طبیعی بزرگ احاطه و محافظت شده است (حدوداً ۷۱۲۷ هکتار). محوطه اصلی شامل این بناهای تاریخی است:

آرامگاه کوروش بزرگ در جنوب؛

تل تخت (یا «تل تخت سلیمان»؛ سریر پادشاهی سلیمان) و استحکامات، واقع بر یک تپه در شمال محوطه اصلی؛

مجموعه سلطنتی در مرکز محوطه اصلی، شامل بقایای: ساختمان دروازه (دروازه R)، تالار عمومی (کاخ S)، قصر مسکونی (کاخ P)، و باغ سلطنتی (چهارباغ).

در منطقه شرق یک بنای کوچک قرار دارد (۱۶×۱۶ متر) که یک پل تشخیص داده شده است. در شمال مجموعه سلطنتی زندان سلیمان قرار دارد، یک برج سنگی، با حدوداً ۱۴ متر ارتفاع. تاریخ ساخت این بنا مشخص نیست. محوطه اصلی شامل منطقه حکاری شده است، اما پایتخت باستانی منطقه ای بسیار وسیعتر از این منطقه بوده و هنوز حکاری نشده است. در محوطه حفاظتی اطراف، باقیمانده های دیگری نیز هستند: محدوده مقدس (حدوداً ۵۳۰-۵۵۰ پیش از میلاد)، و محوطه های تل نوخودی، تل حاری، تل سه آسیاب، دو تلان، که برخی از اینها متعلق به ماقبل تاریخ هستند، همبیطور مدرسه یا کاروانسرا (سده ۱۴ میلادی). در محوطه حفاظتی پنجمین پنج روستا وجود دارند که کشاورزان در آنها ساکنند.

مهم ترین اثر مجموعه پاسارگاد، بنایی است که پیشتر مشهور به ((شهداد سلیمان)) بود و از سال ۱۸۲۰م. به بعد به عنوان آرامگاه کوروش کبیر مشخص شده است و چون کوهری در میان دشت خودنمایی می کند. حدوداً در ۵۳۰ تا ۵۴۰ قبل از میلاد از سنگ آهکی به رنگ سفید ساخته شده است. بنای آرامگاه میان باغ های سلطنتی قرار داشته و از سنگ های عظیم، که در ازای بعضی آن ها به هفت متری رسد، ساخته شده است. تحت سنگ های آرامگاه با بست های فلزی، به هم پیوسته بوده است. که بعد از آن ها راکنده و برده اند و اکنون جای شان به صورت خفره هایی دیده می شود که بیشتر شان را تعمیر کرده اند. بنای آرامگاه دو قسمت مشخص دارد، یکی سکویی عریضی که قاعده آن مربع مستطیلی به وسعت ۱۶۵ متر مربع است و دیگری اطاقی کوچک به وسعت ۵/۷ متر مربع که سقف شیب بامی دارد و ضخامت دیوارهایش به ۵/۱ متری رسد. پایه بنا (۳۵/۳۰×۱۲ متر) از شش لایه پلکانی تشکیل شده است، که از آن ها اولی به بلندی ۱۷۰ سانتی متر، دومی و سومی ۱۰۴ سانتی متر، و سه عدد آخری ۵/۵۷ سانتی متر

هستند. ارتفاع کلی بنا حدود ۱۱ متر است. در رودی آرامگاه در سمت شمال غربی قرار داشته و ۷۵ سانتی متر پهناي آن است. این درگاه کوتاه نیز دارای دو در سنگی بوده که از بین رفته است. خزانه آرامگاه، در بالاترین نقطه، شکل یک خانه شیروانی ساده بایک ورودی کوچک در غرب را دارد. تا حدود صد سال پیش باور بر این بود که این بنا آرامگاه مادر سلیمان باشد و دوره آتابکان در زمان آل بویه با استفاده از ستون های باقی مانده از کاخ های باستانی مسجدی بانام «مسجد اتابکی» در گرد آن ساخته و یک محراب کوچک در خزانه آرامگاه کنده کاری شد. در دهه ۱۹۷۰ بقایای مسجد پاکسازی شده و تکه های تاریخی به نزدیکی مکان های اصلی شان بازگردانده شدند. پس از کشته شدن کوروش بزرگ در جنگ با ساکاها یا ایرانیان شمالی، حدودی رامومیایی کرده و درون تختی از زر نهاده و اشیای مهم سلطنتی و جنگی او را در کنار وی گذارده بودند. در حمله اسکندر مقدونی، یک شخص مقدونه ای در این آرامگاه را سگت و اشیای آن را تاراج کرده و کالبد را کزنده سازده بود. در شب سقف آرامگاه دو حفره بزرگ وجود دارد که برای سبک کردن سنگ ها و کم کردن از بار سقف ایجاد شده است و برخی اشتباها، جای نگهداری کالبد کوروش و همسروی دانسته اند. آرامگاه کوروش در همه دوره هجاشمی مقدس به شمار می آمده این امر باعث گردیده که در دوران اسلامی هم این تقدس حفظ شود، اما تعبیر اصلی بنا دیگر مشخص نبوده است و از سوی دیگر مردم هم ساختن بنا های با عظمت سنگی را خارج از قوه بشری می دانسته اند و به حضرت سلیمان که دیوان را برای کار های دشوار در خدمت داشته است، نسبت می داده اند. به همین جهت آرامگاه کوروش را هم از بنا های آن حضرت می شمردند و آن را به مادر او نسبت می دادند و ((مشهد مادر سلیمان)) می خوانند.

استحکامات دفاعی تل تخت

این استحکامات با وسعتی در حدود ۸۰۰۰ متر مربع بر روی تپه ای عظیم در انتهای شمالی پاسارگاد قرار دارند. استحکامات مذکور معماری چهار دوره راه خود اختصاص داده است:

ساختارهای سنگی؛ عموماً مربوط به دوره اول هخامنشی.

ساختارهای خشتی؛ مربوط به دوره دوم هخامنشی.

ساختارهای خشتی و سنگی؛ مربوط به دوره سلوکی و اشکانی.

ساختارهای خشتی، آجری و سنگی؛ مربوط به اواخر دوره ساسانی.

ساختار اول (سنگی) به روش بنایی خشک و با استفاده از قالبهای بزرگ سنگی و یک شیوه اتصالی بنام آناتیروسیس

(Anathyrosis)، که تمدنهای آسیای صغیر در سده ششم میلادی با آن آشنا بودند، بنا شده است. نقشه

عمومی سلوکیک متوازی الاضلاع با ابعاد تقریبی 79×98 متر و با تورفتگیهایی در کناره های شمالی و جنوبی، است. ارتفاع اصلی

آن تقریباً ۱۵ متر بوده است. اولین مرحله از ساخت بنا توسط کوروش بزرگ انجام گرفته و با مرک وی در سال ۵۳۰ قبل از

میلاد متوقف شد. مرحله دوم در دوران داریوش بزرگ با استفاده از آجرهای خشتی (گلی) ساخته شد (۴۸۶ تا ۵۲۲ قبل از

میلاد).

مجموعه سلطنتی

این مجموعه در مرکز پاسارگاد قرار گرفته است و از تعدادی کلخ تشکیل شده که در اصل در محدوده مجموعه باغها قرار دارند (معروف به «چهارباغ»). بدنه اصلی کلخ‌ها از سالن‌های ستون‌دار تشکیل شده است. تالار عمومی (کلخ S) حدوداً در سال ۵۳۹ پیش از میلاد ساخته شده. تالار ستون‌دار آن دو ردیف چهار ستونی دارد. پایه ستونها از سنگ سیاه هستند (۴۳/۱ × ۴۳/۱ متر)، و بدنه آن‌ها از سنگ آهکی سفید است. پایه ستون‌ها ۱/۴ متر و بدنه ستون‌ها ۱۲ متر ارتفاع دارند. سرستون‌ها از سنگ سیاه بوده است. شواهدی موجود است که سرستون‌ها یک شیر مرکب، شاخ‌دار و یال‌دار، را نشان می‌دهد. کلخ یک سرسرا در هر طرف داشته است. برخی از نقوش برجسته در گاه‌ها حفظ شده‌اند، که پیکر انسان و دیوها را نشان می‌دهند. کلخ مسکونی کوروش دوم (کلخ P) بین سالهای ۵۳۰ تا ۵۲۵ پیش از میلاد بنا شده است. سالن ستون‌دار این کلخ (۳۱/۱ × ۲۲/۱ متر) پنج ردیف ستون و در هر ردیف شش ستون دارد، و سرسرای پر ابهت آن در جنوب شرقی به ابعاد ۷۵/۳ × ۹/۳ متر است.

کلخ دروازه در حدود شرقی محوطه اصلی قرار دارد و شامل یک تالار ستون‌دار با نقشه چهار ضلعی و ابعاد ۲۵/۵ × ۲۸/۵ متر است. این تالار ۸ ردیف ستون دارد. این تالار دو در ورودی اصلی در محور طولی کلخ و دو در فرعی در محور عرضی کلخ دارد.

در یکی از چهار چوب‌های دروازه، یک نقش برجسته مشهور از یک پیکر انسان مانند که بال‌هایی دارد دیده می‌شود. این طرح که تنها نقش باقی‌مانده در کلخ دروازه است، مردی را نشان می‌دهد که ریش انبوه و چهار بال که روبه مرکز تالار دارد.

کوشک‌های (پاویلیون‌ها) A و B که در شرق و جنوب باغ شاهی قرار دارند، احتمالاً دو ورودی به باغ سلطنتی بوده‌اند. از این دو، کوشک B بهتر حفظ شده است. این کوشک با ابعاد ۷٫۷ × ۱۱٫۱ متر از یک سکوی چهار ضلعی از سنگ‌های آراسته تشکیل شده است.

آرامگاه کسوجیه

آن چه از این بنا باقی مانده دیواری بلند به ارتفاع حدود ۱۴ و طول تقریبی ۷٫۵ متر است. این بنا به بنای کعبه زرتشت در نقش رستم شباهت دارد در حالی که از نظر قدمت، قدیمی تر و از نظر استحکام و فن ساخت نیاکنگر اجرایی قومی تر از بنای کعبه زرتشت است.

محوطه مقدس

این محوطه که در ۳ کیلومتری آرامگاه کوروش و در غرب مجموعه پاسارگاد واقع شده است شامل تپه‌ای تاریخی و دو سکوی مجزای سنگی است. برخی از محققین اعتقاد دارند که سکوی سوم کشف شده‌ای وجود دارد که تثلیث خدایان باستانی - اهورامزدا، مهر و آناهیتا - را نمایشگر است.

کاروانسرای مظفری

دوره آل مظفر برای اسکان کاروانهای تجار و زیارتی که از مسیر جاده شاهی می گذشتند، کاروانسرای با استفاده از سنگ های آورده شده از بناهای سلطنتی پاسارگاد به طرح چهار ایوانی در کنار آرامگاه کورش ساخته شده که امروزه بقایای دیوار و شالوده آن قابل مشاهده است.

تنگه بلاغی

تنگه بلاغی در جنوب غربی جلگه پاسارگاد تنگه می دراز و کودی است به نام تنگه می بلاغی که محل رفت و آمد چارپایان و دام های طوایف باصری، کردشولی، فارسی، عبدالیوسفی و عرب می باشد. چون این تنگه کوتاهترین راه بین قادرآباد و سیوند است ایالات نامبرده هنگام کوچ به سیلاق و همچنین برگشت از سیلاق از این راه می گذرند. درازای تنگه حدود ۱۲ کیلومتر و عرض آن ۲۰۰ تا ۵۰۰ متری باشد ولی این پهنا قابل عبور نیست زیرا رودخانه پلوار و درختان انبوه و جنگلی اطراف رود عبور را مشکل کرده و تنها از کمر کوه که درازای راه باریکی است می توان گذشت. گذرگاه تنگه پس از گذشتن از پوزه های سنگ بر تیرانداز پوزه سرخ به دشت گسترده ای به نام دشت بلاغی می رسد. در آغاز تنگه در دامنه کوه راه باریکی به پهنای ۵/۱ متر و به درازای حدود ۲۰۰ متر در سنگ کوه تراشیده شده که جالب و حائز اهمیت است و آثار آن می رساند که مربوط به دورانهای خیلی دور می باشد. بر حسب نیاز به رفت و آمد بسیار دیوار گذرگاه سنگی را از بالا تراش داده و در بعضی جاها از یک متر تا ده متر پهنا داده اند. در وسط تنگه پایه های پل دیده می شود که برای گذشتن از این سوی آب به سوی دیگر در قدیم الیام ساخته بودند. تنگه می بلاغی به موازات تنگه می سعادت آباد قرار گرفته ولی همانقدر که تنگه می سعادت آباد خشک می باشد این تنگه با صفا و پر درخت است و بدون شک

در دوران شاهنشاهی هخامنشی و قرن‌ها پس از آن راه مواصلاتی تخت جمشید و نقش رستم و اسخر به پاسارگاد از همین طریق بوده و از این شهر به سوی هکمتانه می‌رفتند. از سیوند تا پاسارگاد از راه تنگه سی بلاغی ۱۱ کمتر از ۳۰ کیلومتر راه است. در حالیکه از راه فعلی و سعادت آباد حدود ۵۰ کیلومتر فاصله است.

تاریخچه

تنگه بسلاغی (بلاغ به معنی چشمه در زبان ترکی) تنگه ایست نزدیک روستای باستانی (در پی اکتشافات اخیر احتمالاً شهری بزرگ) در استان فارس ایران، بین پاسارگاد و تخت جمشید و در نزدیکی مرکز شهرستان پاسارگاد سعادت شهر قرار دارد و به باور باستان شناسان زمانی در مسیر راه شاهی یا جاده سلطنتی و از شواهد راه سازی دوران پادشاهی هخامنشیان است. این شاهراه نخستین جاده بین المللی شناخته شده جهان است. راه شاهی، شاهراه و مسیری زیارتی و کاروان رو بوده که پاسارگاد را به تخت جمشید و شوش و دیگر مناطق شاهنشاهی ایران پیوند می‌داده است که به نوبه خود جدا از سایر آثار و کشفیات دیگر، یک اثر باستانی مهم بشمار می‌آید.

جاده ای که به فرمان داریوش بزرگ هخامنشی ساخت آن از سارد (پایتخت لیدی) آغاز شد و پس از اینکه پاسارگاد را به تخت جمشید پایتخت هخامنشیان متصل کرد، به شوش کشیده شد و از همان زمان به نام راه شاهی معروف شد. داریوش شاه بارها و بارها برای اداره امور کشوری و بزرگزاری جشن های بهاره در تخت جمشید با گردونه (ارابه) ویژه خود از این جاده گذر کرد.

این جاده که سده هاست در زیر خروارها خاک مدفون شده از خاطره‌ها، از پیروزی‌ها، از عبور پر از جلال و شکوه داریوش و خشایارشا و اردشیر و دیگر شاهان هخامنشی در طول ۲۲۰ سال سلطنت، از جشن‌ها و... ناگهان از سایه وحشت انگیز جنگ، از تعقیب داریوش سوم به وسیله اسکندر مقدونی که از همین راه داریوش می‌گریزد و پس از سه روز «بوس» (قاتل داریوش) باز از همین راه سرداریوش سوم هخامنشی رامی‌آورد و بردامن اسکندر می‌افکند و پس از آن آتش و خون.

آرامشی ۲۵۰ ساله بر این سرزمین حاکم بود و ستوش طوفان حوادث شده و همه چیز بر باد می‌رود. مجموعه کلخ‌های ساخته شده بر روی صفتخت جمشید به وسیله اسکندر به آتش کشیده می‌شود و اسکندر و سربازانش باز از همین راه به طرف شوش حرکت کرده و آنجا را نیروی ایران می‌کنند.

از این مکان باستانی اطلاعات زیادی در دسترس نبود، تنها در سال ۲۰۰۵ در پی اکتشافات گروه‌های باستان‌شناسی از ایران، آلمان، استرالیا، ایتالیا، فرانسه، ژاپن، لهستان و هلند اطلاعات قابل توجهی بدست آمد.

بر پایه داده‌های جدید تنگه بلاغی تنها یک گذرگاه کوهستانی نبوده، و در دوره‌های کوناگون از رونق بسیاری برخوردار بوده است. تاکنون ۱۲۹ کارگاه باستان‌شناسی در این تنگه یافت شده است و قدیمیترین آثار کشف شده تا به کنون، متعلق به ۷۵۰۰ سال پیش است. در این محل آثاری از دوره‌های پارینه‌سنگی، نوسنگی، ایلامی (۲۷۰۰-۶۴۵ پیش از میلاد)، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان و اوایل دوره اسلامی بدست آمده. واقع شدن تنگه بلاغی در بین مجموعه تخت جمشید و پاسارگاد و شهر ساسانی استخر، حدس باستان‌شناسان را در مورد عبور راه ارتباطی از این منطقه تقویت کرده است.

باستان‌شناسان ایرانی و آلمانی با کشف کوره‌های سفال‌گری در پشت‌سید سیوند در تنگه بلاغی شواهدی از صنعت گسترده سفال‌گری را در این منطقه به دست آوردند. تنها در یکی از محوطه‌ها دو کارگاه سفالگری کشف شده است. این کوره‌ها دایره‌ای شکل و به صورت سنگ‌چین هستند.

گروه باستان‌شناسی ایرانی- هلندی در ماه آوریل ۲۰۰۵، حدود ۱۵۰۰۰ تنگه سفال در یکی از کارگاه‌های باستان‌شناسی پیدا کردند که متعلق به دوران شاهنشاهی ساسانیان و اوایل دوره اسلامی هستند. این تنگه‌های سفال بیشتر بزرگ کرم هستند.

به گزارش سرپرست گروه باستان‌شناسی لهستانی به تاریخ ۸ می ۲۰۰۵، در پی کشف تنگه‌هایی از لوله به قطر حدوداً ۳۰ سانتی‌متر و به رنگ خاکستری مربوط به دوران شاهنشاهی هخامنشیان، نظر باستان‌شناسان بنی‌براینکه این منطقه تنها شامل یک روستای کوچک بوده است، تغییر کرده و اکنون باور بر این است که این منطقه شامل یک شهر باستانی بزرگ است. به نظر باستان‌شناسان این لوله‌ها ممکن است برای انتقال فاضلاب یا آب مصرف می‌شده‌اند.

توسط این گروه یک زیرخاکی نیز متعلق به دوران شاهنشاهی هخامنشیان در محل پیدا شده است. این بزرگ‌ترین کوزه‌ای است که تا به حال در ایران یافت شده است. ارتفاع کوزه ۱۴۰ سانتی‌متر، قطر آن ۱۲۳ سانتی‌متر و وزن آن ۱۲۰ کیلوگرم است.

اسکلت کامل یک انسان نیز از زیر خاک بیرون آمده، که متعلق به دوران شاهنشاهی ساسانیان است (۲۲۶-۶۵۱ میلادی).
اسکلت متعلق به یک مرد بزرگ سال بوده، که در حالت حمایت پیدا شده است.

تیم مشترک باستان شناسان ایران و ژاپن با کاوش های نجات بخشی در غار های باستانی منطقه تنگه بلاغی ابزار های سنگی کشف کردند.
کاوش در دو غار این منطقه به یافتن شمار زیادی ابزار سنگی کوناگون و از جنس «چرت» و سنگ چخماق انجامید.

«بابک کیال»، سرپرست مجموعه باستانی پاسارگاد در مورد محوطه های باستانی شناسایی شده گفت: «در این بررسی های باستانی
آثار می شامل تپه های پیش از میلاد، کوره های ذوب فلز، غار و سکونتگاه های پیش از میلاد، دو کورستان دسته جمعی مربوط به دوران
اسکلتی و آثار دیگر به دست آمده است.»

آثار کشف شده

مهر سنگی قهوه ای رنگ ۵۵۰۰ ساله با نقوش افسی به اندازه ۵ تومانی

خمره ذخیره آذوقه (کوزه سفالی ۱۲۰ کیلویی)

میش از ۷ کیلومتر مرز سنگی مربوط به دوران اسکانی

دو اسکلت دفن شده به همراه اشیاء در کور

کارگاه شراب سازی

کارگاه سفال سازی ۷۵۰۰ ساله

محوطه باستانی ۷۰۰۰ ساله

یک روستای هخامنشی بادیوارهای دفاعی و لوله‌های سفالی دفع فاضلاب

کورستان... ۶۰۰۰ ساله

یک کورستان کلان سنگی ساسانی

بقایای دوران ایلامی

حوض ساخته شده از لاشه سنگ باندوچ

سد سیوند و تخریب آثار باستانی

«نیرو بوشنکی»، معاون فرهنگی یونسکو: صدای تنگه بلاغی راه کوش جهانیان برسانید.

باستان‌شناسان برای نجات هر محوطه، تنها ۳ روز فرصت دارند.

«سید محمد بهشتی»، رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور گفت: «فرصت نجات بخشی محوطه‌های سدکارون سه‌کوتاه بودولی با وجود مشکلات زیاد از قبیل نبود نیروی انسانی و عدم تدارکات کافی، فعالیت در آنجا آغاز شد. این کار حرکت تازه‌ای بود. در سد سیوند این تمرین با زمان و تدارکات وسیع‌تری انجام می‌گیرد و تمرین بعدی ماکه فرصت طولانی‌تری خواهد داشت روی سدکارون ۴ تمرکز دارد. تا آن زمان امیدواریم بتوانیم اقدامات بهتری برای نجات آثارمان انجام دهیم.»

«بابک کیان» سرپرست مجموعه باستانی پاسارگاد در مورد محوطه‌های باستانی شناسایی شده، گفت: «در این بررسی‌ها محوطه‌های باستانی شامل تپه‌های پیش از میلاد، کوره‌های ذوب فلز، غار و سکونتگاه‌های پیش از میلاد، کوره‌های سنگی مربوط به دوره فرمانروایان

فارس (فرقه داران)، دو قبرستان دسته جمعی مربوط به دوران اشکانی، بیش از ۷ کیلومتر مرز سنگی مربوط به دوران اشکانی و دیگر محوطه های باستانی که بر اثر ساخت سد زیر آب می رود؛ شناسایی شد.»

به اعتقاد کارشناسان ساخت سد سیوند به جز ایجاد مشکل برای آثار درون تنگه، به دلیل به وجود آوردن شرایط خاص در منطقه به آسیب دیدن سازه های اصلی محوطه جهانی پاسارگاد منجر می شود. «کیان» که خود کارشناس مرمت آثار باستانی است، در این باره گفت: «هنوز بررسی های دقیقی روی این مساله انجام نگرفته است، اما توجه به آبرفتی و سست بودن خاک منطقه حدس زده می شود جمع شدن آب در دیاچه سد، باعث افزایش شدید رطوبت هوا در منطقه و بالا آمدن میزان آب سطحی شود که این اتفاق می تواند به پی اصلی کلخ ها و آرامگاه کوروش آسیب وارد سازد.»

«جونکو تاینکوچی» کارشناس یونسکو در ایران در این باره به گاردین گفت: «جای تاسف است که برای نجات بخشی این محوطه ها وقت زیادی را نذاریم. تا آنجایی که می دانیم بر اثر ساخت این سد، منظر محوطه باستانی پاسارگاد به زیر آب خواهد رفت و ارزش میراث و محوطه های بالقوه اطراف آن برای همیشه در ناله ای از راز فرو خواهد رفت.»

«جامعی»، مدیر پروژه احداث سد سیوند می گوید: «در سال ۱۳۷۱ هنگامی که قصد داشتیم احداث سد را آغاز کنیم طی نامه ای، از سازمان میراث فرهنگی استان فارس استعلام کرده و خواستار بررسی منطقه از نظر فرهنگی شدیم اما از جانب سازمان میراث فرهنگی هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت بنابراین ما کار احداث سد را آغاز کردیم.»

ساخت سد سیوند از سال ۷۱ روی رودخانه سیوند (پلوار) در منطقه بلاغی آغاز شد. تنگه ۹ کیلومتری بلاغی در فاصله ۲ کیلومتری از محوطه ثبت جهانی پاسارگاد قرار دارد. آبگیری این سد در تاریخ ۲۹ فروردین سال ۱۳۸۶ آغاز شد.

«کریم علیزاده»، مدیر روابط بین الملل پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور نیز در این باره گفت: «کاوش در غارهای پارینه سنگی تنگه بلاغی با توجه به کمبود اطلاعات و مطالعات محدودی که تاکنون در باره دوره پارینه سنگی در کشور انجام گرفته است، می تواند اهمیت بسیار داشته باشد و اطلاعات فراوانی را در باره سکونت در این دوره در اختیار قرار دهد». کارشناسان زمان مورد نیاز برای نجات بخشی تمام محوطه ها را چهار سال می دانند اما زمان تخصیص داده شده از طرف سازمان آب منطقه ای استان فارس (هجری ساخت سد سیوند) برای این کار تنها یک سال است. این در حالی است که سد تا پایان دی ماه آبگیری می شود.

اگر سازمان میراث فرهنگی فارس از اهمیت منطقه مطلع بود و با ساختن سد در این ناحیه مخالفت می کرد، با توجه به اینکه در منطقه بلاغی یک یادو محل دیگر نیز برای سدسازی مناسب شناخته شده، تغییر محل ساخت سد امکان پذیر بود و اکنون پیشینه و هویت ماب زیر آب نمی رفت.

دکتر رضامرادی غیاث آبادی، باستان شناس مستقل نیز در مصاحبه با خبرگزاری میراث فرهنگی از نبود تهیه و انتشار فهرست و گزارش تفصیلی از آثار و محوطه های در معرض خطر، حداقل و حداکثر میزان و درصد آسیب رسانی به تک تک آثار باستانی منطقه، نقشه ای که نشان دهد در ازای هر واحد از ارتفاع آب دریاچه پشت سد، مساحت و طول آن دچار چه تغییراتی می گردد و در هر ارتفاع مشخص، کدامیک از آثار را غرق خواهد ساخت؛ راه های علمی و عملی حفاظت از آثار غیر منقول با توجه به تجارب کشورهای دیگر (چون چین، هند و مصر) به گونه ای گسترده و با فراخوان همگانی، و نبود گزارش علمی کاوش های سیستم های کوناگون و دستاوردهای آنان انتقاد کرده است.

وصیت نامه داریوش هخامنش

* اینک که من از دنیا میروم، بیست و پنج کشور جزو امپراطوری ایران است و در تمام این کشورها پول ایران رواج دارد و ایرانیان در آن کشورها دارای احترام، مستند و مردم کشورها نیز در ایران دارای احترام می باشند. جدانشین من خشایار شاه باید مثل من در حفظ این کشورها بکوشد و راه نگهداری این کشورها این است که در امور داخلی آنها مداخله نکنند و مذہب و شعائر آنها را محترم بشمارد.

* اکنون که من از این دنیا میروم تو دوازده کرو در یک زرد خزانه سلطنتی داری و این زر یکی از ارکان قدرت تومی باشد زیرا قدرت پادشاه فقط به شمشیر نیست بلکه به ثروت نیز بست. البته به خاطر داشته باش که تو باید به این ذخیره پیغزایی نه اینکه از آن بکاهی. من نمی گویم که در مواقع ضروری از آن برداشت کنی، زیرا قاعده این زرد خزانه آن است که هنگام ضرورت از آن برداشت کنند اما در اولین فرصت آنچه برداشتی به خزانه برگردان. مادرت آتوسا بر من حق دارد پس پیوسته و سیال رضایت خاطرش را فراهم کن.

* ده سال است که من مشغول ساخت انبارهای غله در نقاط مختلف کشور، مسم و من روش ساخت این انبارها را که با سنگ ساخته میشود به شکل استوانه است در مصر آموختم و چون انبارها پیوسته تخلیه میشوند حشرات در آن بوجود نمی آیند و غله در این انبارها چند سال می ماند بدون اینکه فاسد شود و تو باید بعد از من به ساختن انبارهای غله ادامه دهی تا اینکه همواره آذوقه دو یا سه سال کشور در انبارها موجود باشد و هر ساله بعد از اینکه غله جدید دست آمد از غله موجود در انبارها برای تامین کسر خواربار استفاده کن و غله جدید را بعد از اینکه بوجاری شده انبار منتقل نما و به این ترتیب توجهرکز برای آذوقه در این مملکت دغدغه نخواهی داشت و لو دو یا سه سال سپانی خشکسالی شود.

* هرگز دوستان و ندیمان خود را به کارهای مملکتی بکار و برای آنها همان مزیت دوست بودن با تو کافی است، چون اگر دوستان و ندیمان خود را به کارهای مملکتی بکاری و آن به مردم ظلم کنند و استفاده نامشروع نمایند نخواهی توانست آنها را به مجازات برسانی چون با تو دوست هستند و تو ناچاری که رعایت دوست بنایی.

* کانالی که من می خواستم بین شط نیل و دریای سرخ بوجود بیاورم هنوز به اتمام نرسیده و تمام کردن این کانال از نظر بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد و تو باید آن کانال را با تمام برسانی و عوارض عبور کشتی ها از آن کانال نباید آنقدر سنگین باشد که ناخدایان کشتی ها ترجیح بدهند که از آن عبور نکنند.

* اکنون من سپاهی به طرف مصر فرستادم تا اینکه در این قلمرو ایران، نظم و امنیت برقرار کنند. ولی فرصت نکردم سپاهی به یونان بفرستم و تو باید این کار را به انجام برسانی. با یک ارتش نیرومند به یونان حمله کن و به یونانیان بفهمان که پادشاه ایران قادر است مرتکبین فجایع را تسخیر کند.

* توصیه دیگر من به تو این است که هرگز دروغگو و ممتلق را به خود راه نده. چون هر دوی آنها آفت سلطنت هستند و بدون ترحم دروغگو را از خود دور نما. هرگز عمال دیوان را بر مردم مسلط نکن و برای اینکه عمال دیوان به مردم مسلط نشوند، برای مالیات، قانونی وضع کردم که تماس عمال دیوان را با مردم خیلی کم کرده است و اگر این قانون را حفظ کنی عمال حکومت با مردم زیاد تماس نخواهند داشت.

* افسد مران و سربازان ارتش را راضی نگه دار و با آنها در رفاری نکن. اگر با آنها در رفاری کنی آنها نخواهند توانست معامله متقابل کنند. آاد میدان جنگ تلافی خواهند کرد. و لوبه قیمت کشته شدن خودشان باشد و تلافی آنها اینطور خواهد بود که دست روی دست می گذارند و تسلیم می شوند تا اینکه وسیله شکست تو را فراهم نمایند.

* امدآموزش راکه من شروع کردم اداامه بده و بگذار اتباع تو بتوانند بخوانند و بنویسند تا اینکه فهم و عقل آنها بیشتر شود و هر قدر که فهم و عقل آنها زیادتر شود، تو با اطمینان بیشتر می توانی سلطنت کنی، همواره حامی کیش یزدان پرستی باش. اما بیچ قومی را مجبور نکن که از کیش تو پیروی نماید و پیوسته بخاطر داشته باش که هر کس باید آزاد باشد که از هر کیش که میل دارد پیروی نماید.

* بعد از اینکه من زندگی را بدرد گفتم، بدن من را بشوی و آنگاه کفنی را که خود فراهم کرده ام بر من بپچان و در تابوت سنگی قرار بده و در قبر بگذار. اما قبرم را که موجود است مسدود نکن تا هر زمان که می توانی وارد قبر بشوی و تابوت سنگی مراد آنجا بسینی و بفضمی، من که پدر تو و پادشاهی مقتدر بودم و بریست و پنج کشور سلطنت می کردم مردم و تو نیز مثل من خواهی مرد زیرا سر نوشت آدمی این است که بمیرد. خواه پادشاه بیست و پنج کشور باشد یا یک خار کن و بیچ کس در این جهان باقی نمی ماند. اگر تو هر زمان که فرصت بدست می آوری وارد قبر من بشوی و تابوت را بسینی، غرور و خود خواهی بر تو غلبه خواهد کرد اما وقتی مرگ خود را نزدیک دیدی، بگو که قبر مرا مسدود نمایند و وصیت کن که پسر تورا باز نکند ارد تا اینکه بتواند تابوت حاوی جسد تورا بسیند.

* زنده مار، زنده ار. هرگز هم مدعی و هم قاضی نشو، اگر از کسی ادعایی داری موافقت کن، یک قاضی بیطرف آن ادعا را مورد رسیدگی قرار بده و رای صادر نماید. زیرا کسی که مدعی است اگر قاضی هم باشد ظلم خواهد کرد.

* هرگز از آباد کردن دست برندار. زیرا اگر دست از آباد کردن برداری کشور تو روبه ویرانی خواهد گذاشت زیرا قاعده این است که وقتی کشور آباد نمی شود به طرف ویرانی می رود. در آباد کردن، خرفقات و احداث جاده و شهر سازی را در رجه اول اهمیت قرار بده.

* عفو و سخاوت را فراموش نکن و بدان که بعد از عدالت برحمت‌ترین صفت پادشاهان عفو است و سخاوت. ولی عفو فقط
موقعی باید بکار پیفت که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو خطا را عفو کنی، ظلم
کرده‌ای زیرا حق دیگری را پایمال نموده‌ای.